



بازشناسی هویت خانه‌های سنتی ایرانی با تکیه بر عناصر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی هویت‌ساز

صادق آهوئی^۱، یدالله احمدی دیسفانی^۲ ، حسین کلانتری خلیل آباد^۳

^۱ دانشجوی دکتری معماری، معماری و شهرسازی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. ahuey.۱۳۶۴@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه هنر و معماری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. yahmadi@riau.ac.ir
^۳ دانشیار پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران. h_kalantari@acecr.ac.ir

چکیده

علی‌رغم توسعه و پیشرفت‌های حاصله در امر مسکن‌سازی معاصر، این مهم در ایران کنونی هم‌چنان دارای مشکلات و ضعف‌های بنیادین می‌باشد. یکی از مهم‌ترین دلایل آن، بی‌توجهی به ساختارهای هویتی معماری مسکونی ایران در دوره‌های پیشین می‌باشد که به نوعی با هویت انسان ایرانی نیز گره خورده است. شاید بازگشت و رجوع دوباره به اصول بنیادین خانه‌سازی ایرانی و شناخت و بکارگیری صحیح مبانی ساخت آن‌ها، راهکار و راه‌حل اصلی رهایی از مشکلاتی باشد که گریبان‌گیر مسکن معاصر ایران شده است. چراکه خانه‌های سنتی در همه‌ی زمان‌ها و دوره‌های تاریخی به بهترین نحو ممکن پاسخ‌گوی نیازهای ساکنان و کاربران خود بوده‌اند. با عنایت به این موضوع که یکی از راهکارهای شناسایی ساختارهای هویتی خانه‌های سنتی ایرانی، بررسی عناصر هویت‌ساز در معماری آن‌هاست. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، و مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اسنادی متعدد و تحلیل محتوایی آن‌ها توانسته است، شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مربوط به این عوامل را شناسایی و استخراج نماید. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که با شناخت صحیح عناصر و شاخصه‌های هویت‌ساز معماری خانه‌های سنتی ایرانی و به‌کارگیری بهینه و اصولی آن‌ها در خانه‌سازی معاصر می‌توان مشکلات فعلی کاربران این فضاهای زیستی را تا اندازه‌ی قابل توجهی مرتفع نمود. البته این بدان معنی نیست که این عوامل و عناصر را در معماری مسکونی معاصر به همان شکلی که در گذشته استفاده می‌شد، به کار گرفت؛ بلکه لازم است آن‌ها را با معماری جدید مسکونی، هماهنگ و منطبق ساخت.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی هویت خانه‌های سنتی ایرانی.
۲. آشنایی با عناصر کالبدی، فرهنگی و اجتماعی هویت‌ساز در خانه‌های ایرانی.

سؤالات پژوهش:

۱. خانه‌های سنتی ایرانی دارای چه شاخصه‌هایی است؟
۲. چگونه می‌توان از الگوی خانه‌های سنتی ایرانی در عصر حاضر استفاده کرد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۱

دوره ۱۸

صفحه ۷۴ الی ۹۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۵

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

خانه ایرانی،
معماری سنتی،
هویت،
عناصر هویت‌ساز.

ارجاع به این مقاله

آهوئی، صادق، احمدی دیسفانی، یدالله، کلانتری خلیل آباد، حسین. (۱۴۰۰). بازشناسی هویت خانه‌های سنتی ایرانی با تکیه بر عناصر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی هویت‌ساز. هنر اسلامی، ۱۸(۴۱)، ۷۴-۹۱.

 dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.41.54

 dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.219851.1190

مقدمه

معماری سنتی ایرانی همواره تجلی‌گاه الگوهای بومی-سنتی در طول تاریخ گذشته‌ی ایران بوده است که این الگوها نشأت گرفته از فرهنگ فردی و جمعی مردمانی است که در بستر زمان توسط همین مردمان شکل گرفته، رشد یافته، متجلی شده و به کمال رسیده‌اند. آثار معماری سنتی ایران، برخاسته از فرهنگ و جهان‌بینی معنوی و الهی ایرانیان، واجد صفات ثابت و کهنگی‌ناپذیری بوده‌اند که برای پاسخ‌گویی به شرایط زمانی و مکانی، تجسم‌های کالبدی متفاوتی داشته‌اند. اصولی که موجد یک معماری با استمرار تاریخی سه هزار ساله و موفق در خلق مکان بوده است. با پیدایش معماری مدرن، این اصول بنیادین و ارزشمند معماری گذشته‌ی ایران، جایگاه مستحکم خود را از دست داد و جای آن را اصولی گرفت که هیچ انطباقی با ساختارهای هویتی این مرز و بوم ندارند. این امر در معماری فضاهای سکونتی (خانه‌ها) جلوه و نمود بیش‌تری یافته است. باور بنیادین پژوهش بر آن است که با رجوع دوباره به اصول و ارزش‌های فراموش شده و یا از دست‌رفته معماری سنتی به ویژه معماری مسکونی سنتی و احیای این ارزش‌ها، می‌توان شرایط سکونتی نابسامان فعلی را بهبود بخشید. در این مسیر لازم است که ابتدا ساختارهای هویت‌ساز خانه‌های سنتی ایرانی را بازشناخت و پس از انطباق و هماهنگی این اصول با معماری جدید، آن‌ها را در امر مسکن‌سازی معاصر به کار گرفت. متأسفانه علی‌رغم تحقیقات و پژوهش‌های متعدد انجام شده در جهت بازشناسی مؤلفه‌ها و عناصر هویت‌ساز معماری سنتی، هنوز هم جمع‌کثیری از جامعه‌ی معماری معاصر ایران، شناخت درستی از اصول معماری سنتی خود ندارند. از این‌رو در این نوشتار، نگارنده درصدد آن برآمد تا سه مؤلفه هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی را در معماری خانه‌های سنتی ایران مورد بررسی قرار دهد و پارامترهای مرتبط با هر یک از آن‌ها را شناسایی نماید. جهت انجام این کار، ابتدا باید به بررسی مفهوم هویت کالبدی، اجتماعی و فرهنگی در معماری پرداخته و سپس این مؤلفه‌ها را در خانه‌های تاریخی ایرانی جست‌وجو نمود. درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت، تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثاری به بررسی عناصر هویت‌ساز در خانه‌های سنتی ایران پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی» نمونه موردی خانه رسولیان یزد: به قلم بمانیان و همکاران (۱۳۸۹) به رشته تحریر در آمده است. در این اثر نویسندگان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که مؤلفه‌های هویت ملی مانند ارزش‌ها و هنجارهای ملی، اسطوره‌ها و نمادهای ملی میراث فرهنگی و جغرافیایی در معماری خانه سنتی تأثیرگذار بوده‌اند. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی ایران» خانه‌های ایرانی (نمونه موردی خانه افتخار بروجرد) به قلم خمسلویی و سجادزاده (۱۳۹۲) به رشته تحریر در آمده است و نویسندگان برانند ورود عناصر فرهنگی بیگانه و تغییرات در هویت جامعه ایرانی بازشناسی عناصر هویت در خانه‌های سنتی را ضروری ساخته است. در پژوهش‌های ذکر شده به‌طور مستقیم بر عناصر کالبدی، فرهنگی، اجتماعی پرداخته نشده است، لذا در پژوهش حاضر بررسی این موارد مورد نظر نگارندگان است.

روش تحقیق مورد استفاده در نوشتار حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با هدف بازشناسی عناصر هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی خانه‌های سنتی ایرانی صورت پذیرفته است. فرآیند انجام تحقیق به این شکل بوده که ابتدا در بخش نظری پژوهش با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، اطلاعات جامعی در خصوص موضوعاتی نظیر هویت، خانه‌های تاریخی، معماری خانه‌های سنتی ایرانی و همین‌طور هویت کالبدی، اجتماعی و فرهنگی خانه‌های سنتی ایرانی ارائه گردید. سپس با دسته‌بندی داده‌ها و اطلاعات به دست آمده و تحلیل محتوایی آن‌ها، پارامترها و عوامل کالبدی، فرهنگی و اجتماعی هویت‌ساز خانه‌های سنتی ایرانی شناسایی گردید. در مجموع روند انجام تحقیق طی ۳ مرحله: ۱. مرحله‌ی نخست: بررسی ادبیات تحقیق پیرامون مقوله‌های هویت، معماری خانه‌های سنتی، عوامل هویت‌ساز معماری خانه‌ها؛ ۲.

مرحله‌ی دوم: دسته‌بندی و طبقه‌بندی اطلاعات و داده‌های به دست آمده و تحلیل محتوایی آن‌ها؛ و ۳. مرحله‌ی سوم: استخراج و شناسایی عوامل هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی خانه‌های سنتی ایرانی انجام پذیرفته است.

۱. هویت‌شناسی معماری

واژه‌ی هویت یا Identity ریشه در زبان لاتین Identitas دارد و از Idem (به معنای مشابه و همسان) مشتق شده که دارای دو معنای اصلی است: اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است. معنای دوم آن به معنای تمایز است که به مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد (محرمی، ۱۳۸۳: ۶۶). در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز در بیان ریشه و اصل کلمه هویت لفظ هو آورده شده است. هویت گاه بر وجود خارجی و گاه بر ماهیت یا تشخیص اطلاق می‌شود که عبارت است از حقیقت جزئی (بهزادفر به نقل از دهخدا، ۱۳۸۷: ۵۲۸۸). اصطلاح هویت، مفهومی انتزاعی است که در عین سادگی از پیچیدگی‌ها و حوزه‌های معنایی بسیاری برخوردار است (کامیار، ۱۳۹۳: ۹۲). هویت صرف‌نظر از موضوعی عام و کلی در اغلب حوزه‌های معرفت بشری، مقوله‌ای کیفی است که به واسطه‌ی نیازهای انسان بر ساختار محیط تأثیر می‌گذارد. در واقع هویت به مقوله‌ی کیفی مابین انسان و محیط می‌پردازد. کیفیتی که کمبود یا نبود آن سبب عدم ارتباط انسان با محیط و ایجاد محیطی فاقد خوانایی و معنا می‌گردد. بنابراین ایجاد خوانایی و پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی انسان بر اساس کیفیت‌های فضایی او، مهم‌ترین عامل مداخله انسان در محیط است (جوادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). مفهوم هویت از نگاه برخی صاحب‌نظران نیز قابل توجه خواهد بود. «استوارت هال^۱» هویت را یک روند در حال شدن می‌داند که یک شناسنامه و عامل شناخته شدن اس (هال، ۱۳۸۲: ۱). به اعتقاد ریچارد جنکینز^۲، هویت دو معنای اصلی دارد: اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است؛ یعنی این با آن مشابه است. معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان، سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. به این ترتیب، مفهوم هویت به‌طور همزمان میان افراد یا اشیاء، دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تمایز (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵).

گیدنز در کتاب جامعه‌شناسی می‌نویسد: "هویت همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد. به عبارت دیگر هویت شخص چیزی نیست که در ادامه‌ی کنش‌های اجتماعی به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد" (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۲). به تعبیر جان مارشال، هویت به خودی خود در دسترس نیست، بلکه همواره با فعل شناسایی همراه بوده و باید تثبیت شود. لازمه‌ی آن طبقه‌بندی کردن اشیاء و افراد و مرتبط ساختن خود با چیزی یا کس دیگر است. پس هویت یک پدیده‌ی آنی نیست، بلکه یک فرآیند می‌باشد. فرآیند هویت‌یابی هم‌چون رفتار با انگیزش‌هایی هویت می‌شود که طبق بررسی‌های انجام شده، این انگیزش‌ها، نیازهای فطری می‌باشند (مارشال ریو، ۱۳۸۱: ۸). راپاپورت، هویت را به‌عنوان یکی از معرف‌های اصلی تعریف فرهنگ بیان می‌کند (Rapaport, ۲۰۰۵: ۹۸). وی معتقد است «ماهیت هویت» شرایطی است که چیزی را منحصر به فرد می‌کند و با دیگران متمایز می‌کند. اما «چگونگی هویت» به دو قسم می‌باشد: «ایجاد خاطره و تداعی در شخص» و «تشخیص و استقلال در شخص» (پاکزاد به نقل از راپاپورت، ۱۳۷۵: ۴۷). «صدرالمتألهین شیرازی» از جمله صاحب‌نظران اسلامی، هویت هر موجودی را نحوه‌ی خاص وجود او می‌داند و می‌گوید در انسان، هویت واحده است که متشأن به شئون مختلف می‌شود (صدرالمتألهین شیرازی به نقل از اکبریان، ۱۳۸۶: ۵۴۰). حجت در این باره می‌نویسد که

^۱ Stuart Hall

^۲ Richard Jenkins

هویت در نگرش کلان به معنای تشخص، هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخصی باشد [هم‌چون شخصیت یا کیفیت] است و بیان‌گر ویژگی‌های هر فرد یا پدیده‌ای می‌باشد. وی معتقد است «افراد انسانی را مشخصاتی است که به واسطه‌ی آن هر یک از دیگری متمایزند و تا آخر عمر وحدت شخصیت در آن‌ها باقی است و به آن هویت گویند. پس هر فردی، هر اثری دارای هویتی است» (حجت، ۱۳۸۴: ۵۷). به تعبیر تاجیک، هویت طبقه‌بندی اشیاء و افراد و مرتبط ساختن خود با چیزی یا کسی دیگر (مثلاً یک دوست، یک قهرمان، یک حزب، ...) است (تاجیک، ۱۳۸۴: ۹). بنابر تعاریف و تعبیر ارائه شده از سوی اندیشمندان و نظریه‌پردازان مختلف در خصوص مفهوم هویت، مشخص گردید که هویت به‌عنوان موضوعی پیچیده و گسترده، در حوزه‌های بسیار کلان اعم از حوزه‌های انسانی، ملی، اجتماعی، فرهنگی، دینی، سیاسی، و ... قابل بحث و تفسیر است.

هویت را می‌توان تجلی فرهنگ در محیط (خانه) دانست، زیرا مکان‌ها از انسان معنا می‌گیرند و انسان نیز مجموعه‌ای از باورها و اندیشه‌های است که فرهنگ او را شکل می‌دهد و نمود و تجلی از فرهنگ انسان را در مکان و محیط می‌توان مشاهده نمود که همان هویت اوست. مکان یعنی جایی که ما به آن تعلق داریم. تنها با حضور من انسان با معنا می‌شود و انسان نیز تنها با داشتن مکان با معنا خواهد شد. در این میان، حلقه‌ی اتصال وجود دارد که به آن هویت گویند، پس هم انسان به مکان هویت می‌بخشد و هم مکان به انسان، محیط (مسکن) تنها در صورتی به محیط با معنا بدل می‌شوند که امکانات غنی در تعیین هویت به ما ارزانی کنند و این همان هویت کالبدی (معماری سنتی) است که به مکان معنای خودی می‌دهد و انسان را با مکان پیوند می‌زند و مکان و انسان دو جزء جدایی‌ناپذیر از هم می‌شوند. برای برقراری ارتباط میان هویت و معماری از سخنی از نوربرگ شولتز بهره می‌گیریم. شولتز در کتاب «معماری: حضور، زبان و مکان» از امر کیفی در زندگی سخن می‌گوید و آن را سویه مشترک هستی‌شناسانه‌ی میان ما انسان‌ها تعریف می‌کند و هنر مکان (معماری) را همان چیزی می‌خواند که ما را به این امر کیفی نزدیک می‌کند. هنر مکان را می‌توان همان هویت مکانی و معماری سنتی دانست که حضور و وحدت اندیشه و احساس را در آن می‌توان یافت. همان وحدت میان امر عملی (کارکرد) و امر بیانگر (زیبایی) که لوکوربوزیه آن را از اصول معماری مدرن شمرده است. شولتز در آثار و اندیشه‌های خود از هایدگر متأثر بوده است، زیرا هایدگر انسان را با واژه‌ی دازاین یا «هستی آن‌جا» با تأکید بر حضور تعریف کرد و گسست میان اندیشه و احساس را که از زمان دکارت بر سرتاسر جهان سایه انداخته بود، از میان برداشت و انسان را از ناظر صرف بودن رهایی بخشید و در جهان هستی مشارکت داد و این اصل را تثبیت کرد که در معماری، وحدت میان اندیشه و احساس وجود دارد. معماری سنتی، آشکارسازی تصویری از زندگی است؛ نه به‌صورت شکل انتزاعی بلکه در پیکربندی شاعرانه و قابل دریافت به تعبیری بیانگر مفهوم نزدیکی به مکان است و به نوعی ما را هر چه بیش‌تر، به یکی از مؤلفه‌ها و مشخصه‌های هویت‌بخش و معنابخش انسان نزدیک می‌کند (عسگری، ۱۳۹۵: ۸).

۲. هویت کالبدی، اجتماعی و فرهنگی معماری

ساختار فیزیکی و کالبد در معنای عام، مفهومی است که تعریف و تحدیدکننده‌ی فضا محسوب می‌شود (بورديو، ۱۳۸۹: ۳۳). در حقیقت کالبد را می‌توان زبان فضا دانست؛ چراکه آن‌چه را معماران در فضا می‌خواهند بیان کنند را با توجه به کالبد بیان می‌کنند، به همین دلیل کالبد دارای اهمیت ویژه‌ای در آفرینش فضا است. معماران برای ایجاد نوعی استقلال، به کالبد اهمیت دادند، در واقع دنیای درونی و خاص هر فرد تا ابراز نگریده از طرف مخاطبان مورد نقد قرار نمی‌گیرد که این ابراز را می‌توان در معماری، تحت عنوان کالبد بیان داشت که اتصالی درونی را بین ناظر و فضا به وجود می‌آورد. در واقع می‌توان کالبد را زبانی یا واسطی برای انتقال مفهوم فضا به انسان بیان نمود که به‌عنوان ابزاری کارآمد در اختیار

طراحان و معماران قرار دارد (رایگانی، ۱۳۹۰: ۱). یکی از روش‌های مطالعه هویت محیط مصنوع، روشی صرفاً کالبدی است. از آن جا که هویت در مباحث کالبدی، به مفهوم نوعی حس و درک انسانی مطرح نیست، ولی در عین حال دربرگیرنده‌ی اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه است. بنابراین می‌توان از مفهوم «هویت کالبدی» نیز استفاده نمود (اصانلو، ۱۳۹۱: ۸۵). بررسی مفهوم هویت و کالبد به صورت جداگانه در حوزه‌های معنایی عام (ادبیات غیر تخصصی) و خاص (ادبیات تخصصی معماری و طراحی شهری) دارای معانی زیر می‌باشد.

<p>تمایز/ تشابه</p>	<ul style="list-style-type: none"> • به معنای تمایز از غیر و تشابه با خودی؛ در ادبیات معماری و طراحی شهری معاصر، هویت جایگاه خاصی دارد و مفهوم آن را می‌توان به طور ضمنی یا به صراحت در تعریف مهم‌ترین معیارهای ارزیابی کیفیت کالبدی شهر نظیر (زمینه‌های تاریخی، کالبدی و اجتماعی- فرهنگی) جستجو نمود. مفاهیمی چون خوانایی، معنی، حس مکان و شخصیت مستقیماً به مفهوم تمایز و تفاوت مکانی مربوط شده، بر حفظ آن تاکید داشته‌اند و آن را یکی از صفات مهم کیفی شهر می‌دانند (میرمقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۲).
<p>تداوم/ تحول</p>	<ul style="list-style-type: none"> • به معنای پیوند با گذشته و عدم انقطاع (تداوم معنی و ارزش‌های خودی) در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به شرایط زمانه (خود ماندن ولی همان نماندن)؛ مفهوم تداوم در عین تحول را می‌توان به خوبی در یافته‌های کریستین نوربرگ شولتز مشاهده کرد. به اعتقاد او مکان هم ثبات دارد و هم برخوردار از تغییرپذیری است، و این نکته‌ای نیست که به آسانی دریافتنی باشد. ثبات، همان روح مکان است و به تعبیری همان ارتباط ویژه آن مکان با فضا، فرم و صورت‌های به کار رفته در آن، و تغییرپذیری و بی‌ثباتی مکان به دلیل نیاز به تاویل و باز تاویل مکان به شیوه‌های مختلف و چه بسا متضاد (میرمقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۳).
<p>وحدت/ کثرت</p>	<ul style="list-style-type: none"> • به معنای پیوند میان اجزای متفاوت، ناهمگون و حتی متضاد، به گونه‌ای که در کنار هم یک کل را به وجود بیاورند، دست یافته است (همان) تعبیر وحدت در کثرت در بسیاری از متون تخصصی آمده است. در این متون، بر لزوم شکل‌گیری یک کل واحد از اجزای متکثر تاکید شده است. الکساندر در کتاب «روش بی‌زمان ساختن» تمام تاکید و توجه خود را به شکل‌گیری یک کل مبذول می‌دارد. کلی که در اثر میلیون‌ها عمل ساختمان‌سازی به وجود می‌آید و تبلور کالبدی آن «کیفیت بی‌نام» است (Alexander, 1979).

تصویر ۱. بررسی مفهوم هویت و کالبد (منبع: نگارنده برگرفته از اصانلو، ۱۳۹۱: ۸۷)

واقعیت یک مکان همواره پذیرای آن است که تعریف خود را در دل یک فرآیند اجتماعی جای دهد (Logan & Molotch, ۱۹۸۷: ۴۷). هویت اجتماعی عبارت است از چهارچوبی که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را آشکار می‌سازد. به عبارت دیگر، تمام هویت‌های مربوط به حوزه‌ی انسانی هویت‌های اجتماعی هستند؛ چراکه شباهت‌ها و تفاوت‌ها در خلال تعاملات اجتماعی ظهور و بروز می‌یابند (عباسی، ۱۳۸۳: ۲). ریچارد جنکینز هویت اجتماعی را دستاوردی عملی، یعنی یک فرآیند می‌داند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۵). تنها پدیده‌ای که دغدغه‌ی هویت دارد انسان است. زیرا به گفته‌ی سارتر^۲ در مورد انسان «وجود بر ماهیت تقدم دارد» (قاسمی، ۱۳۸۰: ۶۴). وی همواره به دنبال ابزاری می‌گردد که به واسطه‌ی آن خود را تبیین کند. بدیهی است که تبیین خویشتن به صورت متنوع از سایرین امکان‌پذیر نیست؛ زیرا انسان به عنوان یک موجود اجتماعی

^۲ Richard Jenkins

مجبور است تا گروهی عمل کند و به دلیل برقراری ارتباط با سایر افراد نمی‌تواند بدون کمک اطلاعاتی دیگران خود را بیابد و احراز هویت نماید. بر این مبنا دست‌یابی به هویت شخصی نیز تابع یک فرآیند اجتماعی است (ترک‌زاده، ۱۳۷۳: ۶). وارد شدن مفهوم اجتماع در عرصه‌ی بحث پیرامون هویت، خواه ناخواه مفهوم هویت جمعی را نیز مطرح می‌سازد. فرد با حضور و رشد یافتن در جمع علاوه بر آن که دارای هویت شخصی یعنی نام، منزلت اجتماعی و روابط مشخص با دیگران می‌شود، بلکه با گرفتن عناصر مشخصی که فرهنگ خوانده می‌شود هویت جمعی می‌یابد و با مجموعه‌ی این مسائل دارای تاریخ مشترک می‌شود (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۰۲). این هویت‌ها ممکن است تغییر کنند، دگرگون شوند و از زمینه‌ای به زمینه‌ی دیگر و از شخصی به شخص دیگر تفاوت یابند (ناکس^۴ و پینچ^۵، ۲۰۰۰: ۱). در مورد حس مکان و ارتباط آن با شکل‌گیری محله به هویت فردی و اجتماعی اهمیت می‌دهند. چنان‌چه هویت فردی در خانه و متعلقات آن منعکس شود، هویت اجتماعی در محیط «منظر فرهنگی» منعکس می‌گردد. وجود چنین روابطی میان مکان و مردم مفهوم «حس مکان» را القا می‌کند (عباس‌زادگان، ۱۳۸۵: ۳۱۶).

فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای پیچیده از دانش‌ها، باورها، هنرها، آداب و رسوم یک جامعه دانست (تایلور به نقل از کورز، ۱۳۷۸: ۴۰۱) که مبتنی بر ارزش‌هایی است که گروهی به آن پایبندی دارند و در ساختار اجتماعی از آن پیروی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۵). در حقیقت فرهنگ، نظام‌های نمادینی از گنجینه‌های شناختی یک اجتماع است که توسط نسل‌های پیشین استوار گردیده است تا امروز را در دسترس فردی از آن اجتماع قرار دهد (نولان^۶ و گرهارد^۷، ۱۳۸۰: ۶۳). آنچه در ماهیت فرهنگ اهمیت دارد آن است که بن‌مایه‌های فرهنگی از طریق اجتماع و آموزش قابل انتقال است، لذا فرهنگ شامل همه‌ی بن‌مایه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی است که فرد در درون آن زاده و پرورده می‌شود و از این راه به او "هویت فرهنگی" ارزانی می‌شود که کل گرایش‌های رفتاری او را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ یعنی رشد یافتن در یک فضای فرهنگی، نظامی از ارزش‌ها و معناها و هنجارهای رفتاری را چنان در ژرفنای وجود فرد یا طبیعت او می‌نشانند که کل نظام رفتاری او را پدید می‌آورد (Rapaport, ۱۹۶۹: ۱). در واقع هویت فرهنگی، هویت یا حس تعلق به یک گروه است. این احساس، بخشی از خودآگاهی و درک شخصی شخص و مربوط به تابعیت، قومیت، دین، طبقه‌ی اجتماعی، یا هر گروه اجتماعی دارای فرهنگ متمایز خود است. هویت فرهنگی هم مشخص‌کننده‌ی فرد و هم گروه افرادی که هویت فرهنگی یکسان دارند را مشخص می‌کند (Ennaji, ۲۰۰۵: ۱۹). فرهنگ (و یا بهتر بگوییم ارزش‌های فرهنگی) با معماری و شهرسازی، تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. به دلایل متعددی، این تأثیرات به‌ویژه تأثیری که معماری و شهرسازی بر فرهنگ می‌گذارند، بسیار پیچیده و قابل توجه می‌باشد. به اجمال می‌توان گفت که اولاً فرهنگ جامعه بر شیوه‌ی زیست و فعالیت‌های انسان و بالنتیجه بر روند خلق فضا تأثیر مستقیمی دارد، تا جایی که غالب محققین و حتی کسانی که سعی در دگرگونی و استحاله معماری و شهرسازی و محیط و فضای زندگی ملت‌ها دارند، در وهله‌ی اول به دگرگونی فرهنگی جامعه تأکید می‌ورزند و ثانیاً معماری و شهرسازی تأثیرات وسیعی بر زندگی و شیوه‌ی زیست و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و بالنتیجه بر فرهنگ جامعه دارند.

^۴ Knox^۵ Pinch^۶ Patrick Nollan^۷ Gerhard Lenski

در عصر حاضر، به جهت پنهان بودن اصول مبانی نظری معماری و شهرسازی و همچنین به دلایل خلط مباحثی که رخ می‌دهد، توجه به تأثیر معماری و شهرسازی، اهمیت ویژه‌ای یافته است. در این مورد می‌توان گفت که محیط (معماری و شهر) واجد هویتی است که این هویت نشان از مفاهیم و مقولاتی دارد که اهم آن به قرار زیر هستند:

- ❖ هویت محیط مصنوع بیانگر ارزش‌های حاکم بر جامعه می‌باشد.
- ❖ هویت محیط مصنوع بیانگر ارزش‌هایی است که جامعه به متصف بودن به آن‌ها تمایل داشته و خویش را در صورت واجد بودن و رعایت آن ارزش‌ها، در مسیر کمال و ترقی می‌پندارد.
- ❖ ویژگی‌های محیط مصنوع بیانگر هویتی هستند که جامعه تمایل دارد به آن هویت شناخته شود.
- ❖ ویژگی‌های محیط مصنوع بیانگر هویت جامعه‌ای هستند که آن محیط را پدید آورده و در آن زیست می‌کند.
- ❖ ویژگی‌های محیط مصنوع بیانگر هویتی می‌باشد که عده‌ای (طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران شهر) می‌خواهند برای جامعه به وجود آورند (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

۳. هویت‌شناسی خانه‌های سنتی ایرانی

واژه خانه در گذشته به اتاق، اطلاق می‌شد. اتاق خصوصی را (وستاخ) یا (گستاخ) یا (وثاق) می‌نامیدند؛ از واژه سرا به جای کلمه خانه در اصطلاح امروز آن، استفاده می‌شد (پیرنیا، ۱۳۷۴: ۱۵۴). خانه‌های تاریخی در شهرهای قدیمی ایران، شیوه‌ی زندگی و تفکر انسان‌ها را در زمان‌های مختلف به منصفی ظهور می‌گذارند و معماری آن‌ها برگرفته از نوع نگرش، فرهنگ و سبک زندگی ایرانیان بوده است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). خانه سنتی ایرانی با مفاهیمی چون امنیت، محصوریت، انس و الفت، تعلق خاطر و از این قبیل رابطه دارد. به گونه‌ای که می‌توان در آن حضور انسان، روابط اجتماعی، آیین‌ها، فرهنگ و آداب و رسوم را دید و خواند. می‌توان به دهلیزها، سردابه‌ها، ارسی‌ها و هشتی‌های آن اندیشید و بی‌آنکه حیران آن شد آن را به تحلیل نشست و نکته‌هایش را برگرفت و بازشناخت (قربانی‌سی‌سخت و یزدان‌پور، ۱۳۹۲: ۶). در معماری کهن ایران، معماری خانه بر پایه‌ی اصول و الگوهای ویژه، طرح و ساخته می‌شده است. این اصول را چه در خانه‌های اعیانی و اشرافی و چه در خانه‌های مردم عادی همواره دنبال می‌کردند (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۴۷). خانه‌ها در فرهنگ کهن معماری ایران، عمدتاً به صورت حیاط مرکزی بوده‌اند که با فضاهای دور بسته می‌شده‌اند. بدنه‌ی محصورکننده‌ی فضای حیاط، اتاق‌ها بودند (توسلی، ۱۳۶۷: ۲۳). ساختار کالبدی خانه‌های سنتی، طراحی هوشمندانه‌ای در خدمت منافع انسان و محیط-زیست داشته‌اند (Basiago, ۱۹۹۹: ۱۴۶) و سازندگان این واحدهای بومی در هر زمان و مکان تلاش می‌کرده‌اند تا از طریق ایجاد رابطه‌ای دوستانه بین محیط زیست، فرهنگ و فرم معماری، فضاهای زندگی را در جهت انسانی شدن سوق دهند (Hoon Hwang, ۱۹۹۴: ۱). در مجموع خانه‌های سنتی، خانه‌هایی درونگرا و حیاط‌محور بودند که اغلب در اطراف معابر فرعی یعنی کوی‌ها، کوچه‌ها، گذرها و بن‌بست‌ها قرار می‌گرفتند. نمای خانه‌ها معمولاً خشتی یا آجری بود و روی دیوارهای بلند و ساده‌ی آن‌ها، هیچ روزن یا پنجره‌ای به چشم نمی‌خورد (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۲). ویژگی شاخص و ممتاز در معماری خانه‌های ایرانی، پرداخت دقیق جزییات می‌باشد. جزییاتی که در نما، کنج‌ها، در و پنجره‌ها، ارسی‌ها و ... قابل دریافت است؛ چراکه ترکیب از جزییات تشکیل می‌شود و اصول ترکیب مبتنی بر حس جزییات می‌باشد. جزییات معماری ایرانی قابل تکرار هستند و ریتم، نظم و تقارن را انتقال می‌دهند. جزییات به همراه مصالح ساخت به معماری ایرانی، چهره‌ای انسانی می‌دهند (صارمی، ۱۳۸۵: ۱).

۴. عوامل و عناصر هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی خانه‌های سنتی ایران

بخشی از هویت معماری خانه‌های سنتی ایران، در کالبد آن پنهان است. کالبد این خانه‌ها، میراثی ارزشمند از گذشته‌گان ما بوده که در این دوره از تاریخ به دست ما رسیده است (هدایت و طبائیان، ۱۳۹۱: ۳۶). شکل‌گیری ساختار کالبدی خانه‌ها بر اساس ترکیب سه الگوی فضای باز، بسته و نیمه‌باز صورت می‌گرفته است (حائری‌مازندرانی، ۱۳۸۷: ۱۷). این سه الگوی فضایی چه در قدیمی‌ترین خانه‌های ایران که قبل از اسلام بر جای مانده (بر صفه‌ی تخت جمشید) و چه در خانه‌های ساخته شده بعد از اسلام (اطراف حرم امام رضا (ع)) دیده می‌شود (صادق‌زاده و عیدپوندی، ۱۳۹۴: ۸). گونه‌های فضایی این خانه‌ها بر اساس وجود یا عدم وجود عناصر کالبدی تعریف می‌شوند. فضاهای باز با تعریف کف و جداره وجود می‌یابند، فضاهای نیمه‌باز با ادراک کف، سقف و تعریف خاصی از جداره قابل تشخیص می‌باشند و فضاهای بسته هر سه عنصر کف، سقف و جداره را به‌طور کامل در معرض نمایش می‌گذارند (هدایت و طبائیان، ۱۳۹۱: ۴۴).

هر مجموعه زیستی دارای ارزش‌های محیطی مختص به خود است. در مناطق مسکونی، مردم با ارزش‌های محیط مسکونی خود انس می‌گیرند. از این‌رو به‌نظر می‌رسد که خصلت‌های اجتماعی و فرهنگی، از خصلت‌های فضایی بافت و معماری شهر ناشی می‌شود. به بیانی دیگر، عناصر ساخته‌ی انسان یا به عبارتی محیط مصنوع، یکی از عناصر اصلی محیطی است که متقابلاً بر انسان و شکل فرهنگ او اثر می‌گذارد (نقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۶۸). با پذیرفتن این فرض که معماری ظرف زندگی است و زندگی یعنی شیوه زیست و ارتباط انسان‌ها که از فرهنگ جامعه برمی‌خیزد، می‌توان اذعان کرد که معماری دارای هویتی است که بیانگر هویت فرهنگی پدیدآورنده آن است. لذا معماری در وهله‌ی اول، بیانگر ارزش‌های حاکم بر جامعه و در وهله‌ی دوم مبین ارزش‌هایی است که جامعه به آن تمایل دارد (بمانیان، ۱۳۸۹: ۵۷). از این‌رو اگر بپذیریم که کالبد، شکل، فضا و روابط در معماری بر رفتار انسان اثر می‌گذارد، می‌توان نتیجه گرفت که معماری به واسطه‌ی القای ارزش‌های جامعه، هویت‌ساز است. از سوی دیگر، معماری نوعی نماد محسوب می‌شود، زیرا به‌واسطه‌ی دارا بودن ماهیتی بصری و عملکردی، مهم‌ترین و پرمحتواترین نمادهای فرهنگ بشری را شکل می‌دهد. حال با توجه به نقش هویت‌ساز نمادها در هر فرهنگ، معماری نیز عنصری هویت‌ساز در فرهنگ هر جامعه محسوب می‌شود (ویسی، ۱۳۸۵: ۲۲۴).



تصویر ۱: ورودی خانه جهان‌آرایی، کاشان.

منبع: (نگارنده)

تصویر شماره ۱، نشان می‌دهد هویت در خانه‌های سنتی می‌تواند از خارجی‌ترین بخش ساختمان یعنی «سردر» آغاز گردد. تفاوت هویت اجتماعی نیز می‌تواند از مسائل بوم‌شناختی، اقلیمی و نیز ویژگی‌های معماری نشأت بگیرد. به‌عنوان مثال،

اگر چه کالبد معماری درون‌گرا، نخست به دلیل اقلیمی پدید آمده است، اما بعد و در ادامه‌ی حیات خود می‌تواند به تدریج زمینه‌ساز ایجاد فرهنگ، اخلاق و رفتار ناشی از درون‌گرایی باشد. در مقابل شخصیت درون‌گرا نیز علاقه به کالبد معماری درون‌گرا دارد (نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۹۳). در واقع باید اذعان کنیم که هیچ ساخته و حتی فرآورده‌ی انسانی را نمی‌توان سراغ گرفت که از فرهنگ تأثیر نپذیرفته و یا بر آن اثر نگذارد (نقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۶۳).



تصویر ۲: هشتی خانه رسولیان، یزد. منبع: (نگارنده)

از هشتی امکان دسترسی به هر دو فضا تأمین می‌شود و به این ترتیب با جداسازی حوزه فعالیت‌های اجتماعی و خصوصی، حریم و آسایش اهل خانه حفظ می‌شود. این مؤلفه در نوع خود نقش مهمی در هویت بخشی به ساختار معماری سنتی در ایران داشته است.

آنچه باعث گردیده مسکن سنتی از نظر مفاهیم اجتماعی، فرهنگی کارا باشد، این مهم است که مفاهیم شکل گرفته در مسکن سنتی در ارتباطی فضاساز با یکدیگر قرار گرفتند و نتیجه این ارتباط که متأثر از مناسبات هم‌زمانی و در دوره‌ی مربوط به فرهنگ به خود برآیندی هم‌افزا تلقی گردیده است. یعنی فضاهای مختلف مسکن اعم از فضای ساختاری، کارکردی، زیباشناختی و معنایی در ارتباطی نظام‌مند با یکدیگر قرار گرفته است. لایه‌های فرم در مسکن سنتی، عمدتاً در تعاملی هم‌افزا به فضاهای مربوط به نظام ایدئولوژیک دوره‌ی خود می‌باشد و لزوماً نیازهای اقلیمی و حفاظتی را نیز پاسخی مناسب و کالبدساز را ارائه می‌کردند که نتیجه‌ی هم‌نشینی قاعده‌مند، هم‌افزایی مسکن سنتی می‌باشد. هم‌افزایی بین فضاهای اعتقادی، اقلیمی و فرم بنا در تثبیت و سامان‌دهی اندام‌های گوناگون ساختمان به‌ویژه در مسکن سنتی کارساز بوده است. آرایه‌های تزئینی، فضا و مبانی ایدئولوژیک رابطه‌ی هم‌افزا داشته و با کالبد (سازه‌ای) نیز رابطه‌ی افزایشی داشته‌اند و بافت‌ساز می‌باشد، به این معنی که در مسکن سنتی با بهره‌گیری از شگردهای سازه‌ای علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای سازه‌ای به اقتضات زیباشناختی نیز توجه گردیده است (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۱).

جدول ۱. معیارها و عناصر هویت‌ساز خانه‌های سنتی ایران از دیدگاه محققان؛ ماخذ: نگارنده

عوامل هویت‌ساز	پژوهشگران	شاخص‌ها و معیارها
----------------	-----------	-------------------

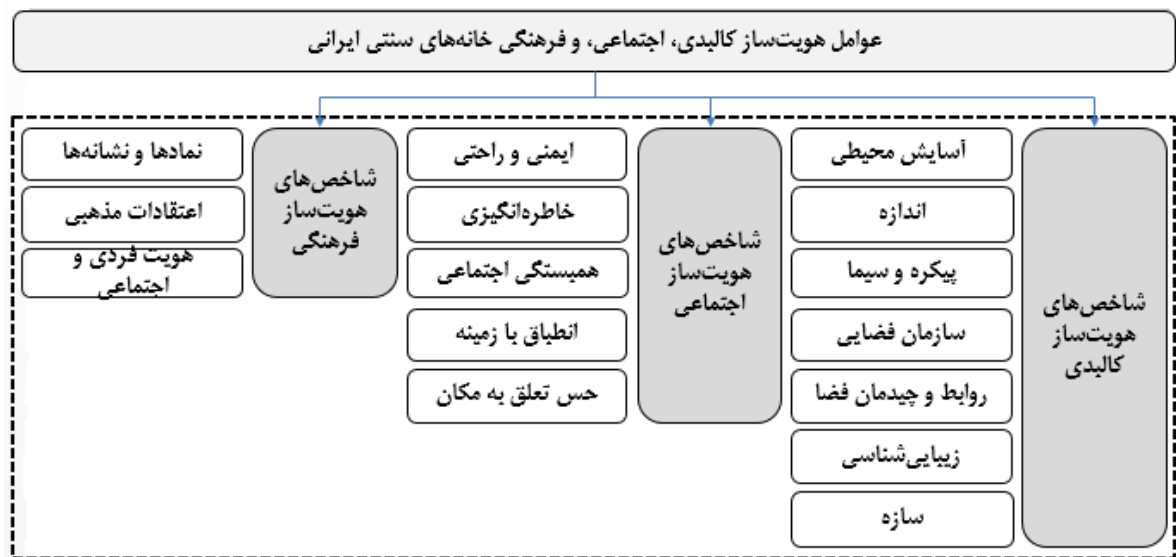
۱- الگوی توده و فضا، ۲- الگوی ارتباط کالبدی فضاها، ۳- الگوی توزیع و چیدمان فضا، ۴- الگوی ارتفاعی و خط آسمان	میرسجادی و فرکیش (۱۳۹۵)	عناصر هویت‌ساز کالبدی
۱- توجه به حریم خصوصی (حرمت و محرمیت)، ۲- استفاده از عوامل طبیعی، ۳- امنیت و آسایش، ۴- تواضع در خانه، ۵- کیفیت فضا	ضرغامی و سادات (۱۳۹۵)	عناصر هویت‌ساز کالبدی
۱- تناسبات، فرم و اندازه، تزیینات، روابط و چیدمان، درجه محصوریت، رعایت مقیاس انسانی، رنگ	میرغلامی و آیشم (۱۳۹۵)	عناصر هویت‌ساز کالبدی
۱- تعاملات اجتماعی، حس اجتماع، فعالیت و رفتارها	میرغلامی و آیشم (۱۳۹۵)	عناصر هویت‌ساز اجتماعی
۱- ورودی خانه، ۲- هشتی، ۳- حیاط، ۴- شاه‌نشین، ۵- ایوان، ۶- تزیینات	حسین‌زاده‌مقدم و ستاری‌فرد (۱۳۹۴)	عناصر هویت‌ساز کالبدی
۱- الگوی فضای باز [الگوی بالا- پایین شامی؛ الگوی مهتابی؛ الگوی بام]، ۲- الگوی فضای پوشیده [الگوی ورودی - سردر؛ الگوی ایوان]، ۳- الگوی دستگاه سرپوشیده [الگوی حوضخانه؛ الگوی کریاس]، ۴- الگوی فضای بسته [الگوی زیرزمین؛ الوی اتاق‌ها]	صادق‌زاده و عیدیوندی (۱۳۹۴)	عناصر هویت‌ساز کالبدی
۱- درون‌گرایی، ۲- محرمیت	زارعی و همکاران (۱۳۹۴)	عناصر هویت‌ساز اجتماعی
۱- ساختار [شفافیت فضایی؛ سازمان‌دهی فضایی؛ تناسبات]، ۲- ارتباطات [سلسله‌مراتب؛ ارتباط بصری؛ ارتباط فضایی]، ۳- تزیینات [تزیینات بیرونی و درونی]	زارعی و همکاران (۱۳۹۴)	عناصر هویت‌ساز کالبدی
۱- حوزه کارکردی [مردم‌واری، رعایت تناسبات، سلسله‌مراتب، ورود نور با ایجاد گشودگی، محوریت در طراحی، مرکزیت، احترام به محور قبله، خودبسندگی]، ۲- حوزه روانشناختی [پرهیز از بیهودگی، درون‌گرایی، سکون و آرامش، اعتقاد به محرمیت و عدم دید مستقیم، تعامل و رفتار اجتماعی با افراد، تعلق خاطر، حس مکان، تعریف و تمایز حریم و قلمروها، خلوص و شفافیت فضا در معماری]، ۳- حوزه زیبایی‌شناختی [هنر ایرانی، جایگاه عناصر طبیعی، هنر ایرانی اسلامی، کهن‌الگوها]	حبیبی و ایران‌پور (۱۳۹۳)	عناصر هویت‌ساز فرهنگی
۱- تعریف و تمایز حریم و قلمروها، ۲- محرمیت، ۳- خلوت، ۴- امنیت و ایمنی، ۵- آرامش، ۶- درون‌گرایی، ۷- مردم‌واری	حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)	عناصر هویت‌ساز کالبدی
۱- جهت‌گیری، ۲- درون‌گرایی، ۳- وجود حیاط مرکزی، ۴- ورودی، ۴- رعایت سلسله‌مرتب فضایی، ۵- تنوع فضایی، ۶- توجه به اقلیم، ۷- سازه، ۸- مصالح	اکرمی و زارع (۱۳۹۲)	عناصر هویت‌ساز کالبدی
۱- خانه ایرانی و طبیعت، ۲- خانه ایرانی و خلوت، ۳- خانه ایرانی و فضاهای متنوع و انعطاف‌پذیر، ۴- خانه ایرانی و زندگی جمعی، ۵- خانه ایرانی و ارتباط با ساکنان، ۶- خانه ایرانی و جمالی و زیبایی، ۷- خانه ایرانی و حس دلبستگی	عبدالله‌زاده و ارژمند (۱۳۹۱)	عناصر هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی
۱- نمای بیرونی، ۲- ورودی، ۳- هشتی، ۴- دالان ورودی، ۵- حیاط (حیاط بیرونی، حیاط اندرونی)، ۶- نمای داخلی حیاط	بمانیان و همکاران (۱۳۸۹)	عناصر هویت‌ساز کالبدی

براساس نظر بسیاری از محققان، حیاط خانه‌های سنتی یکی از عوامل هویت‌بخش کالبدی در معماری سنتی ایران است.



تصویر ۳: حیاط خانه دهدشتی، اصفهان. منبع: (نگارنده).

طی بررسی اطلاعات حاصل از منابع متعدد کتابخانه‌ای و با استناد به نظرات پژوهش‌گران و محققان مختلف در خصوص ساختارهای هویتی معماری خانه‌های سنتی ایرانی، سرانجام فاکتورها و پارامترهای هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی خانه‌های سنتی ایرانی، شناسایی و در ۳ گروه دسته‌بندی گردید. در این طبقه‌بندی، برای هر یک از ۳ مؤلفه اصلی هویت‌ساز (کالبدی، فرهنگی، اجتماعی) زیرمجموعه‌هایی مرتبط با آن‌ها تعریف شده است که به ترتیب در (نمودار شماره ۳) ارائه شده‌اند.



تصویر ۳. عوامل هویت‌ساز کالبدی، فرهنگی و اجتماعی هویت‌ساز خانه‌های سنتی ایرانی (منبع: نگارنده)

نتیجه‌گیری

مسکن سنتی ایرانی در دهه‌های اخیر در مقابل ساختار شهرسازی، سبک زندگی و الگوی ساختمانی جدید تاب مقاومت و فرصت ابراز وجود و حفظ هویت خود را نیافت. بنابراین با شتاب‌گیری رشد جمعیت و مهاجرت، تشویق بی‌مطالعه و عجولانه‌ی متراکم‌سازی، رواج انبوه‌سازی و خلاصه شدن همه‌ی انگیزه‌های ساخت‌وساز در سوداگری، به تدریج رابطه‌ی معماری مسکن با خصوصیات و ظرایف زندگی ایرانی قطع شد. از این‌رو، برای باز تدوین الگوی فراموش شده زندگی بومی مردم ایران با تغییرات متناسب با زندگی امروز، توجه به مسکن در معماری گذشته‌ی ایران ضروری به نظر می‌رسد. شایان ذکر است که بهره‌گیری مجدد از اصول و قواعد خانه‌سازی سنتی ایرانی در مسکن شهری معاصر، در وهله‌ی اول مستلزم شناخت صحیح و اصولی تمامی مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری این خانه‌های تاریخی می‌باشد. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی و بازشناسی سه مؤلفه اصلی هویت‌ساز معماری خانه‌های سنتی ایرانی اعم از کالبدی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته و شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مربوط به هر یک از آن‌ها را به تفکیک شناسایی و استخراج نموده است. نگارنده ضمن برشمردن تمامی پارامترهای مرتبط با این سه مؤلفه، مصداقی از هر یک از آن‌ها نیز ارائه نموده است تا به‌طور دقیق مشخص شود که هر یک از عوامل مطروحه، مشخصاً در کدام قسمت از خانه‌های تاریخی استفاده شده است. امید است با بازشناسی دقیق و موشکافانه تمامی عناصر و عوامل هویت‌ساز خانه‌های سنتی ایرانی اعم از اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، سیاسی، مذهبی و ... انطباق آن‌ها با معماری جدید مسکونی، بتوان در جهت بهبود وضعیت فعلی مسکن‌سازی ایران گام مهم و مؤثری برداشت.

جدول ۲. عوامل هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی خانه‌های سنتی ایرانی (منبع: نگارنده)

عوامل هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی			
مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	زیرشاخص‌ها	مصداق در خانه‌های سنتی
مؤلفه‌های کالبدی	آسایش محیطی	- جذابیت و سبزیگی	- فضای سبز در حیاط مرکزی
		- موسیقی یا آوای آب	- حوض آب در حیاط‌های مرکزی، حوض آب در شاه‌نشین و فضای حوض‌خانه، سرداب و ..
		- تنظیم خرد اقلیم	- کنترل میزان آفتاب، جریان هوا، سایه‌گیری و ...
اندازه	ابعاد فضا - مقیاس فضا	- ابعاد فضا	- ابعاد فضای داخلی
		- مقیاس انسانی (مردم‌واری)	- ارتفاع طبقات - تعداد طبقات - الگوی ارتفاعی و خط آسمان
		- تناسب	- رعایت تناسب بازشوها
پیکره و سیما	تناسبات	- تناسب	- رعایت تناسبات طلایی میان اجزای نما و نقشه - رعایت نسبت سطح به توده
		- تقارن	- تقارن محوری در نما و نقشه

<ul style="list-style-type: none"> - تعادل در نما با ایجاد محورهای اصلی - تعادل در نما با ایجاد هماهنگی در فضاهای پر و خالی - تعادل در نما با استفاده از تقسیمات و دهانه‌های فرد - تعادل در نقشه با تقسیمات و دهانه‌های فرد - تعادل در نقشه با ایجاد هماهنگی در فضاهای پر و خالی - تعادل در بکارگیری انواع سازه - تعادل در ایجاد تزیینات 	<ul style="list-style-type: none"> - تعادل 		
<ul style="list-style-type: none"> - فرم‌های منظم در نقشه و نما (مستطیل، مربع و ...) 	<ul style="list-style-type: none"> - نظم سازمند 		
<ul style="list-style-type: none"> - تکرار پی‌درپی و هماهنگ عناصر و اجزای نما - تکرار هماهنگ تقسیمات فرد در نما و نقشه 	<ul style="list-style-type: none"> - ریتم (وزن) 		
<ul style="list-style-type: none"> - هماهنگی میان اشکال متضاد در اجزای نما 	<ul style="list-style-type: none"> - تضاد و تباین 		
<ul style="list-style-type: none"> - وحدت عناصر واجزا 	<ul style="list-style-type: none"> - پیوستگی کالبدی (انسجام و پیوستگی اجزا) 		
<ul style="list-style-type: none"> - تداوم پیوسته در مسیر حرکت انسان یا نگاه او 	<ul style="list-style-type: none"> - تداوم و پیوستگی بصری 		
<ul style="list-style-type: none"> - مرزبندی فضاهای عمومی (دالان ورودی، هشتی، حیاط، ایوان، و ...)، خصوصی (اتاق‌ها، مطبخ، و ..)، نیمه‌خصوصی (ایوان، بهارخواب و ..) 	<ul style="list-style-type: none"> - منطقه‌بندی یا عرصه‌بندی عملکردی 	<ul style="list-style-type: none"> - سازمان فضایی یا پیکره‌بندی 	
<ul style="list-style-type: none"> - تفکیک فضای باز (میانسرا و ..)، نیمه‌باز (ایوان، بهارخواب و ..)، و بسته (اتاق‌ها و ..) 	<ul style="list-style-type: none"> - ارتباط عملکردی 		
<ul style="list-style-type: none"> - حیاط‌دار (تک‌حیاط، چند حیاط)، خانه‌باغ (کوشک) 	<ul style="list-style-type: none"> - الگوی حجمی 		
<ul style="list-style-type: none"> - تنوع فضاها (ورودی، هشتی، دالان، حیاط اندرونی و بیرونی، ایوان، شاه‌نشین و ..) 	<ul style="list-style-type: none"> - تنوع فضایی 		
<ul style="list-style-type: none"> - تفکیک اندرونی و بیرونی (فضای مهمان و اهل خانه) 	<ul style="list-style-type: none"> - تفکیک و جداسازی فضایی 		
<ul style="list-style-type: none"> - درونگرایی و برون‌گرایی بنا 	<ul style="list-style-type: none"> - درجه‌ی محصوریت فضا 		
<ul style="list-style-type: none"> - هندسه کلی پلان‌ها و جهت‌گیری آن‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - ساختار هندسی 		

<ul style="list-style-type: none"> - رده‌بندی یا اولویت‌های فضایی (ورودی، هشتی، دهلیز، و ..) - رعایت سلسله‌مراتب در چیدمان فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته (حیاط، ایوان، اتاق‌ها) 	<ul style="list-style-type: none"> - سلسله‌مراتب فضایی 	<ul style="list-style-type: none"> روابط و چیدمان فضا 	
<ul style="list-style-type: none"> - سیرکولاسیون حرکتی فضاهای داخلی - ارتباط حیاط‌های خانه (اندرونی، بیرونی، خدمه و ..) 	<ul style="list-style-type: none"> - ارتباط عملکردی فضاها 		
<ul style="list-style-type: none"> - گویا و واضح بودن مسیرهای حرکتی اصلی و فرعی در اندرونی و بیرونی 	<ul style="list-style-type: none"> - خوانایی و وضوح 		
<ul style="list-style-type: none"> - هم‌جواری فضاهای مرتبط با هم 	<ul style="list-style-type: none"> - هم‌جواری فضاها 		
<ul style="list-style-type: none"> - تزیینات نما (آجرکاری، هره‌چینی، قالبی، ... در رخ‌بام، سر طاق، دیوارها و ...) - تزیینات داخلی (آجرکاری، گچ‌بری، کاشی‌کاری، لمبه‌کاری و ...) 	<ul style="list-style-type: none"> - نوع تزیینات کالبدی 	<ul style="list-style-type: none"> زیبایی‌شناسی 	
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد تنوع فضایی به واسطه‌ی تقارن، تعادل، ریتم و تکرار هماهنگ بافت‌ها و عناصر نما 	<ul style="list-style-type: none"> - تنوع و کیفیت بصری 		
<ul style="list-style-type: none"> - رنگ غالب (رنگ خاک) 	<ul style="list-style-type: none"> - رنگ 		
<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از انواع نورگیرها (روزن، هورنو، گلجام، خورشیدی، و ..) - ترکیب نور و سایه با عقب‌رفتگی و عمق دادن به فضا 	<ul style="list-style-type: none"> - نورپردازی و روشنایی 		
<ul style="list-style-type: none"> - مصالح بومی و متناسب با اقلیم (مصالح بوم-آورد) 	<ul style="list-style-type: none"> - مصالح 		
<ul style="list-style-type: none"> - نحوه‌ی باربری و اتصال اجزا به یکدیگر 	<ul style="list-style-type: none"> - نوع سازه 	<ul style="list-style-type: none"> سازه (نیارش) 	
<ul style="list-style-type: none"> - پوشش آسمانه‌ها (طاقی‌شکل، مسطح و ..) 	<ul style="list-style-type: none"> - نوع پوشش 		
<ul style="list-style-type: none"> - سامان‌دهی اندام‌های داخلی بنا حول حیاط مرکزی 	<ul style="list-style-type: none"> - محرمیت 	<ul style="list-style-type: none"> ایمنی و راحتی 	<ul style="list-style-type: none"> مؤلفه‌های اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> - خاطره‌انگیزی در حیاط بیرونی و اندرونی 	<ul style="list-style-type: none"> - خاطرات و تعلقات 	<ul style="list-style-type: none"> خاطره‌انگیزی 	
<ul style="list-style-type: none"> - گفت‌وگو مردم محله به واسطه‌ی نشستن بر سکوی پیرنشین جلوی درب ورودی 	<ul style="list-style-type: none"> - پیوند اهالی محله 	<ul style="list-style-type: none"> حس اجتماعی 	
<ul style="list-style-type: none"> - هماهنگی بنا با بستر اقلیمی، اجتماعی، و فرهنگی 	<ul style="list-style-type: none"> - انطباق بنا با بستر خود 	<ul style="list-style-type: none"> انطباق با زمینه 	
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد تعلق مکانی به واسطه‌ی عناصر طبیعی حیاط مرکزی (آب و فضای سبز) 	<ul style="list-style-type: none"> - دل‌بستگی به مکان 	<ul style="list-style-type: none"> حس تعلق به مکان 	

مؤلفه‌های فرهنگی	نمادها و نشانه‌ها	المان‌ها و عناصر مرتفع	- بادگیرها و ایوان‌های مرتفع
<p>- سادگی در نمای بیرونی و پرداختن به فضای داخلی</p> <p>- درون‌گرایی و محرمیت با ایجاد دالان یا دهلیز ورودی، هشتی و حیاط مرکزی</p> <p>- تفکیک کلون درب ورودی برای آقایان و خانم-ها به واسطه‌ی کوبه و حلقه</p> <p>- تفکیک فضای اندرونی و بیرونی برای مهمانان و اهل خانه</p>	<p>- اعتقاد و باور به ایدئولوژی اسلامی</p>	<p>باورها و اعتقادات مذهبی</p>	<p>- اتاق‌های سه‌دری و پنج‌دری و هفت‌دری</p>
<p>- حیاط‌های اندرونی و بیرونی</p> <p>- فضاهای نیمه‌باز (ایوان، بهارخواب، و ...)</p>	<p>- محلی برای خلوت‌جویی</p> <p>- محلی برای تعاملات اجتماعی</p>	<p>هویت فردی و اجتماعی</p>	

منابع:**کتاب‌ها:**

- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۷). "هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)"، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، چاپ دوم، تهران: مؤسسه نشر شهر.
- بورديو، پیر. (۱۳۸۹). "نظریه کنش دلایل عملی و عقلانی"، ترجمه‌ی مرتضی مردی‌ها، انتشارات نقش و نگار، چاپ سوم، ایران، تهران: ایران.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۴). "آشنایی با معماری اسلامی ایران"، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۶). "سبک‌شناسی معماری ایرانی"، تهران: نشر سروش دانش.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۹). "معماری ایرانی"، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: نشر سروش دانش.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). "روایت غیرهویت و هویت در میان ایرانیان"، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
- ترک‌زاده، نغمه. (۱۳۷۷). «رویشی نو در باغ لاله‌زار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- توسلی، محمود. (۱۳۶۷). "قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری"، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). "هویت اجتماعی"، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- حائری‌مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۷). "خانه، فرهنگ، طبیعت"، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حبیبی، امین؛ ایران‌پور، لیلی. (۱۳۹۳). "هویت؛ فرهنگ؛ خانه‌ی ایرانی (بازخوانی مولفه‌های فرهنگی مسکن)"، نهمین سمپوزیوم پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی مشهد.
- قاسمی اصفهانی، مروارید. (۱۳۸۳). «اهل کجا هستیم، هویت‌بخشی به بافت‌های مسکونی»، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.
- قربانی‌سی‌سخت، پورمند؛ یزدان‌پور، آناهیتا. (۱۳۹۲). "کنکاشی بر تأثیر متقابل معماری مسکن بر فرهنگ و هویت در جامعه ایرانی"، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد: مؤسسه آموزش عالی خاوران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). "جامعه‌شناسی"، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹). «نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی»، تهران: نشر نی.
- مارشال‌ریو، جان. (۱۳۸۱). "انگیزش و هیجان"، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر ویرایش.
- محرمی، توحید. (۱۳۸۳). "هویت ایرانی - اسلامی ما در هویت ایران"، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- کوپر، کلیر. (۱۳۷۹). "خانه همچون نمادی از خود"، از کتاب مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا، ترجمه آرش ارباب جلفایی، اصفهان: نشر خاک.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). "معماری ایرانی"، تهران: انتشارات سروش دانش.
- نولان، پاتریک؛ گرهارد، لنسکی. (۱۳۸۰). «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان»، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

مقالات:

- اصانلو، حسن. (۱۳۹۱). "بازشناسی مفهوم هویت کالبدی و تعامل معماری کهنه و نو در سامان دهی محله‌ی تاریخی جلفا اصفهان"، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۰، صص ۸۵-۹۵.
- اکبریان، رضا. (۱۳۸۶). "مناسبات دین و فلسفه در جهان اسلام"، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صص ۵۴۰ - ۵۴۱.
- اکرمی، غلامرضا؛ زارع، فائزه. (۱۳۹۲). "طراحی خانه در بافت سنتی شهری (مطالعه موردی: طراحی در بافت سنتی قم)"، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۲، صص ۶۸-۵۵.
- بمانیان، محمدرضا؛ غلامی‌رستم، نسیم و رحمت‌پناه، جنت. (۱۳۸۹). "عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی: خانه رسولیان یزد)"، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره سیزدهم، صص ۶۸ - ۵۵.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۷۵). «هویت و این همانی با فضا»، مجله صفا، دانشکده معماری و شهرسازی دانشکده شهید بهشتی، تهران، شماره ۲۱ و ۲۲.
- جوادی، مهسا؛ بوداغ، مهرناز و مکانی، ویدا. (۱۳۹۴). «درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان ساخت به وسیله مولفه‌های مکان، فضا و کالبد»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۱، صص ۱۴۹ - ۱۶۰.
- حجت، عیسی. (۱۳۸۴). "هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز"، مجله هنرهای زیبا (دانشگاه تهران)، شماره ۲۴، صص ۱۰-۱.
- حسین‌زاده، عباس و همکاران. (۱۳۹۲). "هویت فرهنگ و سنت - الگوی تدوین تعلق فضایی به خانه‌های ایرانی"، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد: موسسه آموزش عالی خاوران.
- حسین‌زاده‌مقدم، اکبرعلی؛ شهرام، ستاری‌فرد. (۱۳۹۴). "عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی: خانه صادقیه اردبیل)"، تهران: کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی.
- رایگانی، ناصر. (۱۳۹۰). "کالبد و خلق فضا"، وبلاگ مقالات معماری و عمران، قابل دسترس در سایت www.bastam.blogsky.com
- زارعی، ندا؛ احمدی، لیلا و فولادی، وحدانه. (۱۳۹۴). "بررسی سیر تحول خانه‌های سنتی از درونگرا در دوره قاجار به برونگرا در دوره پهلوی در شیراز"، اولین کنگره علمی پژوهشی افق‌های نوین در حوزه مهندسی عمران، معماری، فرهنگ و مدیریت شهری ایران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- صادق‌زاده، نیما؛ عیدیوندی، میلاد. (۱۳۹۴). "بررسی الگوهای فضایی در خانه‌های سنتی ایران با هدف بازشناسی هویت جمعی"، همایش ملی معماری و شهرسازی هویت‌گرا، به صورت الکترونیکی، مؤسسه بین‌المللی معماری، شهرسازی مهراز شهر.
- صارمی، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). "مدرنیته ناتمام در معماری ایران"، مجله معمار، شماره ۳۶.
- ضرغامی، اسماعیل؛ سادات، سیده اشرف. (۱۳۹۵). "بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی - اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز"، فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان، شماره ۲-۶، صص ۸۲-۶۰.
- عباس‌زادگان، مصطفی. (۱۳۸۵). «آفرینش حس شهروندی با توجه به نیازهای روانشناختی اجتماعی در شهرهای جدید»، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید.

عسگری، مجتبی. (۱۳۹۵). «مسکن معاصر و طرح‌واره‌های سنتی»، شانزدهمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

کامیار، سجاد. (۱۳۹۳). «رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت‌بخش در معماری»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶.

میرسجادی، سیدامیر؛ فرکیش، هیرو. (۱۳۹۵). «ارزیابی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تأثیرگذار در معماری خانه‌های تاریخی نیشابور جهت دستیابی به راهکارهای طراحی و الگوی ساخت منازل در بافت مسکونی سنتی»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره سیزدهم، صص ۷۲-۹۲.

میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۳). «معیارهای شناخت هویت کالبدی شهرها»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صص ۳۲-۳۵.

نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی و دهقانی‌تفتی، محسن. (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر محیط بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط»، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۵، صص ۹۶ - ۷۹.

نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۱). «تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۱، صص ۷۶-۶۲.

ویسی، صلاح‌الدین. (۱۳۸۵)، «معماری، هویت انسانی و محلی»، زیربار، سال دهم، شماره ۶۰، صص ۲۳۵ - ۲۴۸. هال، استوارت. (۱۳۸۲)، «رمزگذاری و رمزگشایی»، ترجمه نیما ملک‌مهدی، چاپ اول، (مهسا طایع، ۱۳۸۹، در تکاپوی هویت، سایت روزنامه پیمان).

هدایت، اعظم؛ طبیبیان، سیده مرضیه. (۱۳۹۱). «بررسی عناصر شکل‌دهنده و دلایل وجودی آن‌ها در خانه‌های بافت تاریخی بوشهر»، نشریه شهر و معماری بومی، شماره ۳.

پایان‌نامه‌ها:

عباسی، کاظم. (۱۳۸۳). «هویت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در میان کادر آموزشی شهر تبریز»، استاد راهنما: محمد حریری اکبری، استاد مشاور: نعمت‌الله تقوی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، تبریز: دانشگاه تبریز.

Alexander, Ch. (۱۹۷۹). "The timeless way of building", oxford university press, New York.

Basiago, A. (۱۹۹۹). "Economic social and environmental sustainability in development theory and urban planning practice", The Environmentalist, ۲: ۱۴۵-۱۶۱.

Ennaji, M. (۲۰۰۵). "Cultural Identity, and Education in Morocco", Springer Science & Business Media, pp. ۱۹-۲۳.

Hoon Hwang, J. (۱۹۹۴). "The reciprocity between architectural typology and urban morphology", university of Pennsylvania.

Logan & Harvey, M. (۱۹۸۷). "Urban Fortunes: The political Economy of Place", ۲th Anniversary Edition, Berkeley, Los Angeles and London: University of California Press.

Rapaport, A. (۱۹۶۹). "House Form and Culture", Prentice Hall.

Rapaport, A. (۲۰۰۵). "Culture, Architecture, and Design", Locke science publishing company, Inc.